

تحلیل مدل کارکرد نهاد ورزش در سلامت‌سازی اجتماعی

مهرداد نوابخش^۱ * عمران دهقانی^۲

چکیده

سلامت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سلامت همگانی و عمومی در جامعه هم‌پای سایر ابعاد روانی، معنوی، پزشکی و... نقش بارزی در توسعه پایدار جامعه در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و بسترسازی مشارکت آنان در تمام عرصه‌های جامعه ایفا می‌کند. از طرفی هر نظام اجتماعی برای ثبات و پایداری نیازمند سلامت اجتماعی پایدار و یکپارچگی اعضای خود به ویژه از طریق توزیع قدرت، اعتبار، مسئولیت و همبستگی می‌باشد، سلامت، شرطی ضروری برای ایفای نقش‌های اجتماعی است. از نظر کارکردگرایان ورزش در سطح کلان باعث ایجاد احساس وحدت و یکپارچگی در بین افراد جامعه می‌شود. از طرفی ورزش عرصه فعالیت‌های الگومند، ساختارهای اجتماعی و روابط میان‌نهادی است که فرصت منحصر به فردی برای مطالعه و فهم پیچیدگی‌های حیات اجتماعی فراهم می‌آورد با توجه به حاکم بودن روابط انسانی در آن در نتیجه تعامل اجتماعی بین اجزای آن منجر به ایجاد هماهنگی، انسجام، نظم اجتماعی، پیوستگی اجتماعی، جامعه‌پذیری و... در نتیجه منجر به سلامت‌سازی اجتماعی می‌شود.

واژگان کلیدی: ورزش، سلامت اجتماعی، جامعه‌پذیری، نهاد اجتماعی

فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی المپیک • سال دوم • شماره ششم • بهار ۱۴۰۰ • صص ۵۷-۳۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۶/۳۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۲/۱

۱. استاد تمام و عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (navabakhsh@srbiau.ac.ir)

۲. دانشجوی دکترای مدیریت امور فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول (andisheno300@gmail.com)

مقدمه

سلامتی، موهبت و ودیعه‌ای الهی می باشد و هر صاحب خردی با توجه به بیان مشهور «عقل سالم، در بدن سالم است» به تأثیرات متقابل روح و جسم بر یکدیگر اذعان خواهد نمود. این موضوع از سوی بسیاری از اندیشمندان چون شیلر^۱، پستالوزی^۲، فروبل^۳ و روسو^۴ تأکید شده است (جاوید، ۱۳۵۱: ۲۱). ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی نشانگر ورود افراد به شبکه روابط اجتماعی است. ورزش عرصه ظهور رفتارها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و بازنمایی‌هایی معنادار قرن بیست و یکم است. این پدیده چند بعدی، چنان در متن جهان زندگی انسان‌ها رسوخ و نفوذ نموده که امروزه می‌توان با توجه به نگرش و فعالیت‌های ورزشی افراد، طرز تفکر، سبک زندگی و میزان سرمایه اجتماعی افراد را بازشناسی کرده و از روی رفتارها و فعالیت‌های ورزشی، سایر فعالیت‌های حیات زندگی اجتماعی را منسجم و پیش‌بینی نموده و سلامت اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد. لارسون^۵ معتقد است فعالیت بدنی یک نظام اصلی که همه نظام‌های فرعی دیگر را زیر پوشش خود دارد و فعالیت بدنی تکامل یافته اصطلاح‌هایی چون تمرین بدنی و فرهنگ بدنی در گذر تاریخ می‌داند اینها تعبیری هستند که هنوز هم با فضایی متفاوت، به کار برده می‌شوند؛ مثلاً کشورهایمانند روسیه و آلمان و برخی از کشورهای شرق اروپا، برای دلالت بر نظام تربیت بدنی و ورزش اصطلاح «فرهنگ بدنی» را به کار می‌برند (فتحی، ۱۳۸۸).

جانسون (۱۹۹۱) مشاهده نمود که شرکت دانشجویان در فعالیت‌های جسمانی و گروهی در خوابگاه‌ها، باعث تطابق آنها ناسازگاری‌های محیطی و رشد اجتماعی می‌شود ویشاک، نوریس و داگلاس اظهار می‌دارند با یک جلسه تمرین در هفته هم می‌تواند منجر

-
1. Schiller
 2. Pestalozzi
 3. Frobel
 4. Roussav
 5. Larson

به بهبودی اساسی خلق و خوی افراد شود و از شدت افسردگی، اضطراب و فشارهای روانی آنها بکاهد. وانگ و همکارانش (۲۰۰۴) نشان دادند که فعالیت بدنی به هر شکلی می‌تواند به حفظ و تأمین سلامت روانی نقش داشته باشد. حسن‌زاده (۱۳۸۰) عنوان نمود که شرکت در فعالیت‌های ورزشی با رشد و سازگاری اجتماعی و اعتماد به نفس ارتباط دارد و سینگر (۱۹۸۰) در مطالعات خود به این نتیجه رسید که دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در فعالیت‌های ورزشی و گروهی از رشد اجتماعی بهتری نسبت به دیگر دانش‌آموزان برخوردارند. لویز، تیموتی و همکارانش (۱۹۹۸) فعالیت‌های گروهی، ورزشی و فوق‌برنامه را باعث رشد اجتماعی دانش‌آموزان ذکر کردند. درتون، شری و سیرسی (۱۹۹۷) طبق پژوهش‌های خود بیان نمودند که شرکت در فعالیت‌های بدنی و ورزشی به عنوان عامل مهمی در اجتماعی شدن افراد دارد.

گاریتا، اوالدسون و کرسارو (۱۹۹۸) به بررسی فعالیت‌های دانش‌آموزان و شرکشان در ورزش‌های گروهی خارج از برنامه‌های کلاسی در کشورهای سوئد و ایتالیا پرداختند و نتیجه گرفتند که افراد در طول ورزش‌های گروهی، بخش عمده‌ای از مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی را فراگرفته و آنها را در زندگی به کار بردند. بر اساس نظر پرسیوال و کر (۲۰۰۵) فعالیت‌های ورزشی افزون بر فراهم کردن سلامت فیزیکی، نقش مهمی در رشد اجتماعی دارد.

پاسکارا (۱۹۹۷)، نریمانی (۱۳۸۵)، یاقوتی (۱۳۷۹)، محمدی (۱۳۷۷) به نقش ورزش در اجتماعی شدن افراد معتقدند و با تحقیقات در این زمینه دریافته‌اند ورزشکاران اجتماعی‌تر از غیرورزشکاران می‌باشند. بهبودی در نمره‌های سلامت روانی، روحیه سرزندگی، سلامت عمومی، عملکرد جسمانی و رفع افسردگی کارکنان مرد یک کارخانه پس از ۲۴ هفته تمرین هوازی و کار با وزنه مشاهده شده است (آتالانتیس، ۲۰۰۴). بهرامی (۱۳۸۵) در تحقیق خود بیان نمود که فوتبالیست‌ها نسبت به کشتی‌گیران از بهداشت روانی مطلوب‌تری برخوردارند و دلیل این امر را به گروهی بودن این رشته نسبت داده است.

ورزش به عنوان سازوکاری در جهت پرورش و رشد ابعاد مختلف انسانی و به عنوان تأمین و تضمین‌کننده سلامت روحی و جسمی افراد جامعه مورد توجه قرار گرفته است. پدیده‌ای که نشاط، سرزندگی و بالندگی را نیز در پی داشته و از سوی دیگر در کاستن هزینه‌های درمان و بهداشت بسیار مؤثر بوده و ضمن پیشگیری از آسیب‌ها و معضلات

اجتماعی در راستای خودباوری و توانمندسازی انسان‌ها و رشد و شکوفایی بالقوه آنها جهت حضور موفق در جامعه گام برمی‌دارد بدون شک پی‌ریزی یک جامعه سالم و با نشاط در گرو سلامت روحی و جسمی اعضای جامعه و مرهون تلاش نیروهای انسانی سالم و فکور می‌باشد. در همین راستا، سلامت فرهیختگان علم به عنوان چارچوب اصلی پیکره جامعه جوان جهت ایفای نقش‌های فردی، علمی و اجتماعی حائز اهمیت بوده و انجام فعالیت‌های فیزیکی در کنار علم‌اندوزی می‌تواند در یادگیری آنان تأثیر قابل توجهی داشته باشد. هر مطالعه و تحقیق علمی با تعیین اهداف آن در ارتباط تنگاتنگی دارد. آنچه مورد نظر است پاسخ به این پرسش است: آیا ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی در برقراری تعادل و ثبات اجتماعی در نتیجه سلامت‌سازی تأثیر می‌گذارد؟ بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، شناخت نقش و کارکرد ورزش و میزان آن بر سلامت‌سازی اجتماعی است.

۱. پیشینه پژوهش

در تحقیقی که توسط واعظ موسوی (۱۳۸۱) با عنوان «مقایسه کیفیت زندگی ورزشکاران رشته‌های انفرادی و دسته جمعی» انجام شد، جامعه آماری را کلیه افراد ۱۵ تا ۴۰ ساله تشکیل دادند که در پاییز سال ۱۳۷۹ با استفاده از تسهیلات ورزشی مربوط به سازمان تربیت بدنی ورزش می‌کردند. نمونه آماری شامل ۸۹۵ زن و مرد بود که از ۱۶ استان کشور انتخاب شدند. بررسی مطالعه کیفیت زندگی ورزشکاران رشته‌های انفرادی و دسته جمعی و مقایسه افراد در پانزده مولفه بهزیستی مادی، بهزیستی بدنی، رشد فردی، روابط زناشویی، رابطه با فرزند، رابطه با اقوام، روابط اجتماعی، رفتار نوع‌دوستانه، رفتار سیاسی، ویژگی‌های شغلی، روابط شغلی، رضایت شغلی، رفتار خلاق/زیبایی‌شناسانه، فعالیت ورزشی و رفتار تعطیلات که جملگی در یک هویت یکپارچه که ابزار معتبری برای سنجش کیفیت زندگی به شمار می‌روند، انجام شد و پرسشنامه روایی و پایایی کیفیت زندگی (بین ۸۹۵ زن و مرد ورزشکار از بیست رشته ورزشی با میانگین سنی ۱۵ تا ۴۰ سال) در شانزده استان ایران توزیع شد. نتایج نشان داد که کیفیت زندگی زنان ورزشکار رشته‌های انفرادی در مقایسه با کیفیت زندگی زنان ورزشکار رشته‌های دسته جمعی برتری داشت و این برتری به عناصر بهزیستی مادی، رابطه با فرزند و رفتار در تعطیلات مرتبط بود. در مقابل کیفیت زندگی مردان ورزشکار رشته‌های دسته جمعی از کیفیت زندگی مردان ورزشکار رشته‌های انفرادی برتر بود و این برتری به عناصر بهزیستی مادی، رابطه با اقوام، رابطه

شغلی، رضایت شغلی و رابطه با همسر مربوط بود. تفاوت‌های مذکور و تعامل جنسیت در رابطه با نوع ورزش نیز مورد بحث قرار گرفته است (واعظ موسوی، ۱۳۸۱: ۸۳). در تحقیقی که توسط محمد خبیری (۱۳۸۱) با عنوان «بررسی تفاوت رعایت موازین اخلاقی بین بانوان ورزشکار و غیر ورزشکار» انجام شد، تفاوت رعایت موازین اخلاقی بین این دو گروه مورد بررسی قرار گرفت. حجم نمونه بالغ بر ۶۰ نفر از بانوان ورزشکار ۱۹ تا ۳۰ ساله عضو تیم‌های ورزشی دانشگاه‌ها که حداقل ۵ سال سابقه فعالیت‌های ورزشی داشتند و نیز ۶۰ نفر از بانوان دانشجوی ۱۹ تا ۳۰ ساله غیرورزشکار که هیچ‌گونه فعالیت ورزشی مستمری نداشتند بوده است. این در حالی بود که جامعه آماری بالغ بر ۳۰۰ نفر با سابقه ورزشی بیش از ۵ سال در دانشگاه‌های کشور را شامل می‌شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که بین گروه‌های بانوان ورزشکار و غیرورزشکار از نظر رعایت موازین اخلاقی تفاوت معنی داری وجود ندارد (خبیری، ۱۳۸۱).

سروش فتحی (۱۳۸۸) در تبیین جامعه‌شناختی مشارکت ورزشی دانشجویان ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی است که افراد را در یک شبکه اجتماعی که دارای روابط اجتماعی پیچیده است به تعامل و کنش متقابل واداشته است و عرصه ظهور رفتارها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و بازنمایی‌هایی معنادار قرن حاضر شده است. این پدیده چندبعدی، آن چنان در متن جهان زندگی انسان‌ها رسوخ و نفوذ نموده که امروزه می‌توان با توجه به نگرش و فعالیت‌های ورزشی افراد، طرز تفکر، سبک زندگی و میزان سرمایه اجتماعی افراد را بازشناسی کرد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. مدل باورهای سلامتی^۱

این مدل برای نخستین بار توسط رزنبرگ^۲ در سال ۱۹۵۰ فومول‌بندی شد تا مشخص شود که چرا تنها درصد اندکی از جمعیت فاقد نشانه‌های بیماری، موافق تحمل تست کردن می‌باشند تا بدین وسیله شرایط آنها برای حمله ناگهانی سرطان مشخص شود. این مدل همچنین برای تبیین رفتارهای پیشگیری‌کننده، جهت حفظ سلامتی به کار برده می‌شود،

1. Health belief Model (HBM).
2. Rosentock.

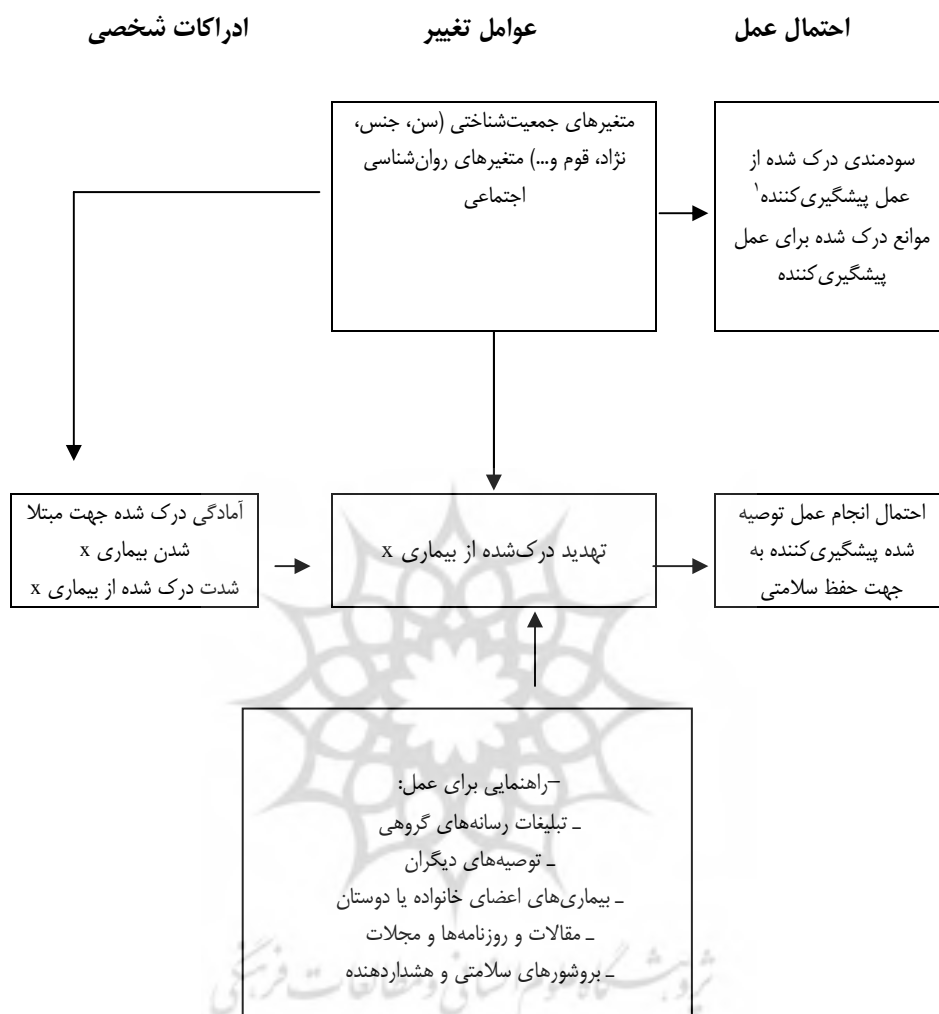
مانند واکسینه کردن و نیز موافقت طولانی مدت با تجویزات پزشکی و اخیراً بیشتر جهت عادت و رفتارهای سلامتی به کار می رود. این مدل در سال ۱۹۷۷ توسط بیکر^۱ برای تبیین رفتار سلامتی در سطح ایجاد تصمیم شخصی، طراحی شد. در این مدل بیان می شود که احتمال انجام رفتاری مناسب که برای پیشگیری یا کنترل برخی بیماری‌ها، منوط به ادراک فرد از تهدید سلامتی خود و عقیده‌ای است که کنشی را برای تقلیل خطر توصیه می کند. ادراک تهدید سلامتی به وسیله دو باور ذیل تعیین می شود:

۱. استعداد با آمادگی فرد برای مبتلا شدن به بیماری X

۲. شدت درک شده از بیماری X که بر باور فرد فشار وارد می کند.

چنین ادراکاتی می تواند، به وسیله یک پیشامد مانند مرگ یک دوست صمیمی، بیدار یا تقویت شود. ادراک کارایی عمل پیشگیری کننده‌ای که توصیه شده، به ارزیابی فرد از سودمندی ادراکی رفتاری که جهت کاهش بیماری و سختی شرایط آن، پیشنهاد شده و نیز موانع ادراکی یا واقعی آغاز و تداوم آن رفتار، وابسته است. رزنتوک در سال ۱۹۸۸ مفهوم خود اثربخشی^۲ باندورا را با مدل باورهای سلامتی پیوند داد. در اینجا خود اثربخشی درک شده، اطمینان فرد از توانایی اش جهت رفتار توصیه شده می باشد. در نظر وی، متغیر خود اثر بخشی درک شده، پیش‌بینی کننده قوی برای انواع رفتارهای مرتبط با سلامتی است. مطابق با مدل باورهای سلامتی، اگر شیوه زندگی فرد به گونه‌ای باشد که غیرمتحرک و غیرفعال بوده و این حالت را تهدیدی جدی برای جنبه‌هایی از سلامتی خود بداند و نیز فعالیت فیزیکی منظم را وسیله‌ای برای کاهش این خطر محسوب نماید. قاعدتاً باید تصمیم بگیرد که به طور منظم ورزش کند.

1. Becker
2. Self efficacy



نمودار ۱. عناصر اساسی در مدل باورهای سلامتی

Source: Godin Gaston et al, 1996:105

به طور مثال در مورد بیماری خطرناک اسکیمیا^۲ (نوعی بیماری مربوط به کاهش عرضه خون به بدن) اهمیت تهدید به وسیله دوباور پذیرفته می‌شود:

1. Preventive action
2. Ischemic

باور در مورد آسیب‌پذیر بودنش در برابر بیماری سخت انسداد شرایین؛
 باور به سختی نتایج شخصی حاصل از حادثه مترقبه انسداد شرایین؛
 روی دادن حادثه غیر قابل پیش‌بینی مانند انفاکتوس برای دوستی غیرفعال.
 بعضی از محققان این مدل را جهت تبیین عادات رفتار ورزشی به کار برده‌اند.
 اسلنکر^۱ (۱۹۸۴) نشان می‌دهد که موانع ادراکی برای رفتار ورزشی مانند: فقدان زمان
 کافی، مسئولیت‌های شغلی، خانوادگی، بدی آب و هوا و... به طور معنی داری عامل تمایز
 میان کسانی می‌باشند که ورزش می‌کنند و آنها که هیچ فعالیت فیزیکی ندارند. گزارشات
 چندی، ارتباط معنی دار میان متغیرهای مدل باورهای سلامتی و رفتار ورزشی را در میان
 بزرگسالان یادآور می‌شود. رزنتوک (۱۹۹۰) در مدل باورهای سلامتی بیان می‌دارد که
 شناخت خطر ممکن است مقدمه ضروری برای جلوگیری از رفتارهای مانع سلامتی باشد.
 افرادی که خود را مستعد یک بیماری خاص می‌بینند و یا کسانی که بیماری را عامل
 جداکننده فرد از جامعه ارزیابی می‌کنند، احتمالاً تهدیدکننده‌های سلامتی را بیشتر احساس
 می‌کنند. این احساس تهدیدکننده سلامتی؛ زمینه انگیزش را جهت شناخت (آگاهی از
 سودمندی اعمال برای کاهش خطر) و نهایتاً انجام رفتار فراهم می‌کند (Godin Gaston et al, 1990:106).

۲-۲. تئوری رفتار میان فردی^۲

این تئوری در سال ۱۹۷۷ توسط ترایندیس^۳ مطرح شد، در این تئوری احتمال پذیرش انجام
 یک رفتار معین، کارکردی عبارتند از: عادت انجام رفتار، نیت انجام رفتار و تسهیل شرایط
 یا دلسردی انجام رفتار. B همان رفتار معین و I نیت فرد برای انجام یا عدم انجام رفتار معین
 و H ارزیابی از عادت فرد یا تعداد زمان‌هایی است که فرد آن رفتار را قبلاً انجام داده و F
 سنجش تسهیل شرایط یا دلسردی انجام رفتار می‌باشد. Wh.f و Wi.f نیز پاسخ رگرسیونی
 همبستگی هستند. در این تئوری بیان می‌شود که اولین تجربه یک رفتار معین، تحت کنترل
 نیت می‌باشد، اما سپس با تکرار، عادت انجام آن رفتار جایگزین نیت می‌شود. شرایطی که
 انجام یک رفتار معین را تسهیل یا دلسرد می‌کند؛ پیش‌بینی کننده مهمی بر عادت و نیت

-
1. Slanker
 2. The theory of interpersonal behaviour
 3. Triandis

است. مطابق با این تئوری، نیت انجام رفتار، تحت تأثیر چهار عامل شکل می‌گیرد:

- عامل شناختی: این عامل، تحلیلی شخصی و فردی از سودمندی و عدم سودمندی است که پذیرش، انجام یک رفتار، در پی خواهد داشت. این عامل، کارکردی از نتایج ادراکی و ارزش نسبت داده شده به هر یک از نتایج می‌باشد (ارزش \times سودمندی).
- عامل احساسی: این عامل پاسخ انگیزش افراد به قبول انجام رفتار و احساسات تجربه شده در طول انجام آن رفتار مانند رضایت، عدم رضایت و علاقه است. این عامل به وسیله حافظه تجربه قبلی فرد، اعم از مثبت و منفی، شکل گرفته می‌شود.
- عامل اجتماعی: این عامل در ارتباط میان افراد با یکدیگر منعکس می‌شود و شامل باورها و هنجارهایی می‌باشد که از طریق یک تحلیل شخصی و فردی از گرایش‌های مردم و گروه‌هایی از مردم، جهت انجام رفتار معین شکل گرفته است. باورهای هنجاری بوسیله ارزیابی فرد برای مناسب بودن رفتار و تمایزاتی که میان افراد در این مورد وجود دارد، قابل پیش‌بینی است. مانند عقاید متفاوت در مورد مناسب بودن یک نوع خاصی از رفتار متناسب با سن، جنس و... برای محصل رشته تربیت بدنی، وزن زیاد و غیرمتحرک بودن مناسب می‌باشد. البته باورها و هنجارهای نقش در میان جوامع و شرایط مختلف، مطابق نتایج ادراکی شکستن هنجارهای فرهنگی است.
- عامل باورها و هنجارهای شخصی: این عامل میزانی از احساس وظیفه فرد برای انجام رفتار، استنتاج شده است. این عامل دربرگیرنده معنایی از خود مسئولیتی^۱ و تمایل فرد به تطابق رفتار با قوانین اخلاقی شخصی، البته مستقل از هنجارهای فرهنگی است. مدل تراندیس (TRA) به طور موفقیت‌آمیزی جهت بررسی برخی رفتارهای مرتبط با سلامتی مانند ورزش به کار رفته است. این مدل اهمیت برخی از متغیرها مانند عادت، بعد احساسی گرایش و باورهای هنجار شخصی را حمایت می‌کند. اما مشخص است که رفتار قبلی فرد نیز یک تعیین‌کننده مهم در رفتار ورزشی می‌باشد. اگر این عادت وجود داشته باشد که فرد غیرفعال باشد، هرگونه طرحی جهت ترویج ورزش باید با مراعات این فشار همراه شود. در این مدل بیان می‌شود که بعد احساسی گرایش مهم‌تر از بعد شناختی آن است (Godin & Gaston et al., 1990: 114).

۳-۲. رویکرد روان‌شناسی اجتماعی

مطالعه اجتماعی جدی درباره ماهیت ورزش و تفسیرات پیرامون کارکردهای اجتماعی آن خیلی زود، یعنی از سال ۱۸۷۰ آغاز شد. در تحلیل آداب اجتماعی، مفهوم بازی پیش از دو مفهوم گیم‌ها^۱ و ورزش قرار گرفت. کوشش‌های نخستین برای بررسی مفهوم بازی، بیشتر در چارچوب روان‌شناسی اجتماعی حرکت می‌کرد نه در یک کادر اجتماعی. مبحث اجتماعی ورزش در سایه آثار روان‌شناسی اجتماعی و فلسفه اجتماعی نویسندگان و اندیشمندان بزرگ ظهور کرد. برای مثال، اسپنسر^۲ در سال ۱۸۷۳ «بازی» را اساساً ناشی از انرژی متراکم در توانایی‌های به کار گرفته نشده دانست و بر این پایه به بررسی این پدیده پرداخت. نظریه او به نام «تئوری انرژی اضافی» معروف است. این تئوری میل به بازی را بر این اساس تفسیر می‌کند که موجود زنده به گونه‌ای آفریده شده است که بیش از نیازهای بدنی خود، انرژی در اختیار دارد، و این انرژی انباشته برای آن که به مصرف برسد، باید به بیرون تراوش کند و این همان عاملی است که انسان را به سمت بازی سوق می‌دهد. نظریه دیگر در این باره از آن استانی هال^۳ است. وی تحت تأثیر نظریه تکامل، تئوری خود را وضع کرد و آن را «تئوری باز پیدایی» نامید. این تئوری معتقد است که کودک، از طریق بازی، تجارب اسلاف بشری خود را تکرار می‌کند؛ برای مثال، پدیده علاقه کودکان به بالا رفتن از شاخه‌های درختان و تاب خوردن با آنها را در پیوند با زندگی نخستین نیاکان آنها تفسیر می‌کند. به عبارت دیگر، نمونه‌های بازی کودک، که از دوران طفولیت او تا زمان رشد و بلوغش مرتباً رشد و تکامل می‌یابد، چیزی نیست، جز بازپیدایی آنچه نژاد انسانی از ابتدای آفرینش خود از سرگذرانده است.

گروس^۴ در نظریه خود تأکید می‌کند که بازی در زندگی بشر نقشی تمرینی ایفا می‌کند که مقدمه‌ای است برای همانند ساختن فرد با مؤلفه‌های زندگی اجتماعی؛ به این معنا که بازی دو وظیفه اساسی دارد: یکی یادآوری رخدادهای ناخوشایند به منظور سیطره یافتن بر آنها، و یا کاستن یا از بین بردن تأثیر این رخدادهای، و دوم تعدیل پیشامدها و رخدادهای از طریق بازی، مطابق با تمایل کودک یا فرد. در حالی که طبق تئوری پیازه، بازی

1 . Games

2 . Spencer

3 . Stanley Holl

4 . Groos

بیشتر جنبه فراگیری و تقلید دارد. از این‌رو، بازی بیانگر تکامل و رشد کودکان است. بنابراین، هریک از مراحل رشد، بازی‌های خاص خود را دارد. بازی‌ها به کودک کمک می‌کنند تا دنیای خود را کشف کند و با محیط و جامعه‌اش تعامل برقرار سازد. این کار به کمک دو فرایند اساسی صورت می‌پذیرد: یکی فرایند همانند‌گردی^۱ که طی آن کودک به جذب مفاهیم و آموزش‌ها و درونی‌سازی آنها و تبدیلهای ساختارهای شناختی ویژه‌ای دست می‌زند و بیانگر «خود» کودک هستند؛ دوم فرایند همسازی یا انطباق^۲ است. این فرایند بیانگر چاره‌اندیشی‌ها و سازوکارهایی است که کودک، به منظور سازگاری با محیط خود، بروز می‌دهد. پیازه معتقد است که تعادل میان این دو فرایند به سازگاری و همسازی می‌انجامد، در حالی که عدم تعادل میان آنها کودک را به سمت تقلید می‌راند (انورالخولی، ۱۳۸۱: ۵۵-۵۴).

۴-۲. رویکرد جامعه‌شناسی

- نظریه مبادله اجتماعی: نظریه مبادله اجتماعی از جمله رهیافت‌های جدید در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی به شمار می‌آید و سابقه طرح آن به دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد. در حال حاضر این نظریه تبدیل به یک رشته حائز اهمیت در نظریه‌های جامعه‌شناختی شده و به کسب جهت‌گیری‌های جدید ادامه می‌دهد. نظریه مبادله اجتماعی بر این فرض استوار است که جملگی افراد جامعه در حال داد و ستد هستند و یک ساختار محاسباتی وجود دارد که همواره مزایا و زیان‌های هرگونه کنش متقابل را مورد سنجش قرار می‌دهد. این سنجش آگاهانه- یا ناخودآگاه در کلیه فعالیت‌ها انجام می‌پذیرد و ارزش رفتارها را در کلیه وضعیت‌ها تعیین می‌کند.

نظریه مبادله نه تنها با رفتار فردی، بلکه با کنش متقابل بین مردم، که مستلزم رد و بدل شدن پاداش‌ها و مجازات‌ها است، سروکار دارد. پیش‌فرض بنیانی این نظریه بیان می‌کند که احتمال استمرار کنش‌های متقابل در هنگام مبادله پاداش‌ها بیشتر وجود دارد و برعکس کنش‌های متقابلی که برای یک طرف یا هر دو طرف در بر دارنده هزینه هستند، از احتمال بسیار اندکی برای تداوم برخوردار می‌باشند (Ritzer, 1993) مردم بر مبنای یک بنیان

-
1. Assimilation
 2. Accomodation

اقتصادی به تهیه کالاها و خدمات برای یکدیگر می‌پردازند و در مقابل انتظار دریافت کالاها و خدمات مطلوبی دارند. علی‌رغم مبنای اقتصادی، پاداش‌ها همواره بر اساس مادی (پول) مورد سنجش قرار نمی‌گیرند، بلکه مقیاس‌های دیگری نیز وجود دارد که گاهی مهم‌تر به نظر می‌آیند. مبنای نظری تئوری مبادله اجتماعی، روان‌شناختی و اقتصادی است و از صاحب‌نظران عمده آن می‌توان به جرج هومنز^۱ و پیتر بلا^۲ اشاره نمود.

درن‌ظریه مبادله اجتماعی، ورزش نهادی است که مشارکت‌کنندگان در آن به دادوستد ارزش‌های مادی و غیرمادی مبادرت می‌ورزند. به اعتقاد صاحب‌نظران این دیدگاه ورزشکاران، به ویژه ورزشکاران حرفه‌ای و بین‌المللی، چه در هنگام انجام فعالیت ورزشی و چه پس از آن و در دوره بازنشستگی ورزشی همواره این پرسش اساسی را نزد خویش مطرح می‌سازند که آیا فعالیت ورزشی‌شان برای آنها ارزشمند بوده است؟ و پاسخ به این پرسش مستلزم مقوله‌بندی هزینه‌ها و پاداش‌هایی است که فرد ورزشکار در طول دوران فعالیت ورزش خود از آنها بهره‌مند شده است. نهاد ورزش دارای منابع خاصی است که می‌تواند با شیوه‌های گوناگون منابعی از پاداش را در دسترس ورزشکاران قرار دهد (رحمتی، ۱۳۸۱). ورزشکاران با انجام یک فعالیت ورزشی خاص و دریافت پاداش شرطی می‌شوند. پاداش‌هایی که ورزشکاران دریافت می‌نمایند ممکن است با یکدیگر متفاوت باشند، لیکن برخی منابع یا پاداش‌های مشترک و قابل‌تعمیم نیز در کلیه فعالیت‌های ورزشی وجود دارد. به علاوه ممکن است وضعیت‌هایی وجود داشته باشد که در کلیه رشته‌های ورزشی یکسان هستند. کاربرد نظریه مبادله اجتماعی در ورزش امکان مشخص نمودن اشکال اصلی رفتار اجتماعی در ورزش و درک صحیح‌تر و بهتری از ماهیت نهاد ورزش را فراهم می‌آورد.

- ماکس وبر: او کنش را مورد توجه قرار داده و مرادش از کنش، رفتار معنادار و هدفمندی است که چنانچه متوجه دیگران باشد، آن را کنش اجتماعی می‌نامد (دیلینی، ۱۳۸۷: ۲۰۵). او در یک تقسیم‌بندی کنش عقلی یا معطوف به عقل را مورد تأکید قرار داده، و معتقد است این گونه کنش‌ها، اصولاً کنش‌هایی هستند که در آن عامل نه فقط وسایل مختلف را با هدف مقایسه می‌کند، بلکه سودمند بودن خود هدف را هم مورد

1. George Homans

2. Peter Bella

ارزیابی قرار می‌دهد. هدف‌هایی که بر مبنای معیار موفقیت سنجش می‌شوند و به صورت عقلانی پیگیری می‌شوند (هابرماس، ۱۳۸۴: ۳۸۵). و بر این اصل تأکید دارد که کنش از نقطه نظر نیت‌مندانه آن مهم است و در تحلیل آن باید از طریق مشخص کردن معنا و مقصدی که اعمال برای عاملان دارند صورت بگیرد. «پارسنز» کنش را فرایندی فعالانه و خلاقانه می‌داند و آن را عبارت از رفتاری می‌داند که به وسیله مقاصدی که کنشگران برای اشیا و اشخاص قایل می‌شوند، جهت داده می‌شود (همان: ۳۵۵). کنشگران از نظر «پارسنز» هدف‌هایی دارند و وسایل مقتضی را انتخاب می‌کند. جریانات کنش بوسیله اوضاع، مقید و به وسیله نهادها و ارزش‌ها هدایت می‌شود. مهم‌ترین کنش عبارت از تعامل یعنی عملی که به سوی عاملان و کنشگران دیگر جهت داده شده است (آبراکرامبی و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۲). بنابراین، چنانچه کنش‌هایی بین دو یا چند انسان واقع شود و در میان آنان نوعی ارتباط و هماهنگی به وجود آید به عنوان «کنش‌های متقابل اجتماعی» محسوب می‌شود. کنش‌های متقابل اجتماعی بر دو گونه هستند:

الف) کنش‌های متقابل پیوسته^۱ آن دسته از کنش‌های متقابلی است که جهت یگانه‌ای و منسجمی دارد مانند «همکاری»^۲ که دلالت بر یکی بودن مساعی دو یا چند شخص برای حصول به هدفی معین و یا «هماندی»^۳ که یکی شدن دو یا چند شخص از جهات متفاوت را مشمول می‌شود. البته «همسازی»^۴ نیز به عنوان یکی دیگری از کنش‌های متقابل پیوسته، به عنوان کوششی است برای رفع اختلاف کنش‌های پیوسته و گسسته.

ب) کنش‌های متقابل گسسته^۵، کنش‌های متقابلی هستند که جهت یگانه و پیوسته‌ایی ندارند. مانند «سبقت‌جویی»^۶ کوششی است که شخص برای وصول به هدفی که مورد نظر چند نفر می‌باشد، تلاش می‌کند. یا «رقابت»^۷ نیز به عنوان کوششی است که شخص برای پس انداختن دیگری از وصول به هدفی که مورد نظر هر دو آنان است، مبدول می‌نماید. البته «ستیزه»^۸ هم به عنوان نوعی دیگر از کنش‌های متقابل گسسته متناظر بر رقابتی آمیخته

-
1. Associative interaction
 2. Cooperative
 3. Assimilation
 4. Accomodetion
 5. Dissociative interaction
 6. Competition
 7. Rivalry
 8. Conflict

با خشونت و درگیری است (آگ برن و نیم کوف، ۱۳۵۰: ۹-۱۸).

هابرماس در سنخ‌شناسی کنش تمایزی بین کنش‌ها ارائه نموده است. به اعتقاد او کنشهای عقلانی و هدفمند به دو نوع کنش استراتژیک^۱ و یا راهبردی و ابزاری^۲ قابل تقسیم است. هابرماس معتقد است کنش معقول و هدفدار در پی کسب موفقیت و منفعت مالی و مادی با هدف چیرگی وسیله‌ای است. او کنش استراتژیک را ناظر بر کنش کنشگرانی بیش از یک نفر می‌داند که در پی کسب منفعت بوده و این کنش مربوط به عمل دو یا چند نفر است که در تعقیب یک هدف، ناگزیر کنش عقلایی و هدفمندی به صورت هماهنگ انجام می‌دهند. لذا این کنش اساساً کنشی است که قصد دارد به منظور دستیابی به چند هدف بر روی دیگران تأثیر بگذارد. کنش ابزاری یا وسیله‌ای به نظر هابرماس دلالت بر کنشگری واحد دارد که همواره به دنبال سود و منفعت فردی و شخصی می‌باشد و با حسابگری و عقلانیت مناسبترین وسیله را برای رسیدن به اهدافش انتخاب می‌کند (نجف‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۴۳).

اساس نظریه کارکردگرایی بر این اصل مبتنی است که هر پدیده اجتماعی کارکرد معینی بر عهده دارد که به نحوی در دوام و ادامه جامعه مؤثر است. به عنوان مثال، نهاد خانواده با کارکردهای خود از قبیل تولید نسل و پرورش افراد به دوام و بقای نظام اجتماعی کمک می‌کند (رحمتی، ۱۳۸۲). این نظریه با الهام از آثار جامعه‌شناسان بزرگی مانند هربرت اسپنسر^۳ و امیل دورکیم^۴ شکل گرفته است. در این مکتب جامعه به مثابه یک نظام سازمان یافته، با ثبات و منسجم در نظر گرفته می‌شود که اکثراً افراد آن درباره ارزش‌های اساسی، با یکدیگر توافق دارند. در شرایط عادی کلیه عناصر نظام اجتماعی از قبیل مدرسه، خانواده یا دولت متناسب با یکدیگر عمل می‌کنند و هر عنصر در مجموعه نظام اجتماعی نقشی در جهت ثبات کل جامعه ایفا می‌کند. هرگونه تغییر اجتماعی به مثابه حالتی ویرانگر تلقی می‌شود، مگر این که نسبتاً آرام انجام پذیرد، زیرا تغییر در بخشی از نظام معمولاً باعث تغییر در ساختار اجزای نظام می‌گردد. این دیدگاه از آن جهت که گرایش به محافظه‌کاری و تثبیت وضع موجود دارد مورد انتقاد اساسی قرار گرفته است

-
1. Strategic action
 2. Instrumental action
 3. Spencer
 4. Duerkheim

(همان).

به این ترتیب کارکرد گرایان در آزمون عناصر اجتماعی مانند ورزش، به سهم و نقش آن در اثبات اجتماعی تأکید و توجه دارند. کارکرد گرایان ورزش را به مثابه نهاد شبه مذهبی^۱ در نظر می‌گیرند که با استفاده از مراسم و تشریفات خاص خود به تقویت ارزش‌های مشترک بین افراد و جامعه می‌پردازد. به علاوه، کارکرد گرایان به تأثیر ورزش در جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان و سازگار نمودن افراد جامعه با ارزش‌های مثبتی نظیر میهن‌پرستی و نقش آن در تقویت توانایی‌های فیزیکی تأکید دارند و آن را عرصه‌ای برای تجلی تنش‌ها و تخلیه انرژی پرخاشگرانه به شیوه اجتماعی مطلوب در نظر می‌گیرند. به اعتقاد صاحب‌نظران این مکتب، ورزش، افراد یک جامعه یا حتی یک ملت را دور هم جمع می‌کند و نوعی احساس وحدت و یکپارچگی اجتماعی را رواج می‌دهد. به علاوه، ورزش ابزاری است که زمینه را برای شکوفایی استعدادهای افراد شایسته فراهم می‌سازد. ادواردز^۲ در مورد کارکرد ورزش چنین می‌گوید: «ورزش یک نهاد اجتماعی است که در گسترش و تقویت ارزش‌هایی که رفتار را تنظیم می‌کنند، هدف‌جویی و یافتن راه‌حل‌هایی قابل قبول در زمینه حل مشکلات زندگی مادی کارکردهای اساسی دارد» (همان).

۲-۵. کارکردهای ورزش در نظام اجتماعی

کارکرد گرایان با توجه به ارتباط متقابل ورزش به عنوان یک نهاد اجتماعی با سایر نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مذهب، آموزش و پرورش، نهادهای اقتصادی و سیاسی و حتی رسانه‌های گروهی، سعی در تحلیل ابعاد اجتماعی ورزش در سطوح مختلف دارند. به طور کلی، نظریه پردازان دیدگاه کارکردگرایی موارد ذیل را به عنوان کارکردهای ورزش در نظام اجتماعی برشمرده‌اند:

- کسب مهارت‌های اجتماعی
- دسترسی به فرصت‌های تحصیلی، حرفه‌ای و ...
- شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی
- کنترل اجتماعی

- رهایی از تنش‌ها
- تندرستی جسمانی
- کاهش تضادها
- ترویج وفاداری ملی
- تعمیم حمایت‌های اقتصادی و سیاسی
- جامعه‌پذیری و هم‌نوایی
- اتحاد افراد در زمینه‌های اجتماعی
- تقویت نقش‌های جنسی، سنی و نژادی (همان).

در این گرایش، پژوهشگران مسائل اجتماعی ورزش معتقدند که جامعه عبارت است از بیان مفهوم‌مندانه دقیق‌تر در بافت مدل نظام‌های اجتماعی^۱. اینان جامعه را منظومه‌ای دارای ابعاد تو در تو و روابط همبسته و نظام‌مند می‌دانند. کوکلی^۲ معتقد است که منظومه جامعه، در صورتی که شرایط زیر برایش فراهم باشد، به گونه‌ای همساز و هماهنگ عمل می‌کند:

۱- فرصت‌هایی که ارزش‌ها و هنجارهای حاکم اجتماعی را به افراد آموزش می‌دهد.

۲- سازوکارهای گوناگون اجتماعی که مردم را گرد هم می‌آورد و آنها را به هم پیوند می‌دهد.

۳- فرصت‌هایی که به افراد می‌آموزد چگونه اهداف خود را تعیین کنند و از راه‌های پذیرفته اجتماعی به این اهداف دست یابند.

۴- سازگاری یا انطباق با مقتضیات و چالش‌های محیط بیرونی به منظور کاهش هر چه بیشتر مداخله و از هم گسیختگی.

- پارسونز و اسملسر: کوکلی به اندیشه‌های پارسونز و اسملسر^۳ پیرامون نیازهای اجتماعی اساسی و مطلوب که ورزش می‌تواند در آنها سهم داشته باشد، اشاره کرده است (انورالحوالی، ۱۳۸۱: ۶۰).

1. Systems Model
2. Coakely
3. Parsons & Smelser

- نگهداشت الگو و مهار تنش: کارکردگرایان بر این باورند که ورزش تجربه‌های آموخته‌ای را به دست می‌دهد که کارشان تقویت و توسعه دایره آموختن و فراگیری است که طی موقعیت‌ها یا کنش‌های دیگری پدید می‌آید. ورزش می‌تواند، به عنوان به یک نهاد ثانوی که پاره‌ای نهادهای اولی هم‌چون خانواده و معبد و مدرسه را یاری می‌رساند، خدمت کند؛ زیرا بر آن است تا افراد را به گونه‌ای بار آورد که با جریان اجتماعی اصلی توافق و سازگاری اجتماعی داشته باشند. ورزش، هم‌چنین، اصل نگهداشت الگو و مهار تنش را به بازیکن و یا حتی تماشاگر آن سرایت می‌دهد. ساختار ورزش به بازیکنان و تماشاگران، فرصت می‌دهد تا با اهتمام بیشتری، به اهمیت قوانین و مقررات بازی و تلاش و مبارزه‌ای که انجام می‌پذیرد، و کارایی سازمان و ساختار اقتدار که با دقت مشخص شده است، توجه نشان دهند. آثار این امر را می‌توان در نوجوانان و جوانانی که از مشارکت در بازی‌های رقابتی تأثیر می‌پذیرند و از این بازی‌ها استفاده می‌کنند مشاهده کرد و دریافت که چگونه این بازی‌ها به آنان می‌آموزد تا با مقررات بزرگترها، عموماً و با روابط رقابتی در کار، خصوصاً، تعامل برقرار کنند.

- تکامل: کارکردگرایان بر تأثیر ورزش در فرایند تکامل اجتماعی تأکید می‌ورزند؛ چرا که ورزش با گردهم آوردن مردم و وحدت بخشیدن به آنها و تزریق احساسات هم‌گروهی الفت‌زا میان آنان، خدمت ارزنده‌ای به جامعه خود می‌کند. ورزش احساس تعلق به وجود می‌آورد، هویت شخصی را تبلور می‌دهد، روابط اجتماعی را خلق می‌کند، و پیوندهای دوستی و محبت میان افراد را تحکیم می‌بخشد. تاریخ می‌گوید که چگونه، در شمار بسیاری از کشورهای جهان، از این کارکرد اجتماعی ورزش در راه وحدت بخشیدن میان گروه‌ها و عناصر یا نژادهای یک سرزمین استفاده شده است؛ برای مثال، می‌توان از کشورهای سوئیس، فرانسه، آلمان، چین، اتحاد شوروی سابق، برزیل، و همانند اینها نام برد.

- تطبیق: اصحاب نظریه کارکردی، به راحتی، می‌توانند کارکرد تطبیق را، به عنوان یک کارکرد اجتماعی از ورزش، نشان دهند؛ زیرا با نگاهی به جوامع صنعتی، به‌ویژه جوامعی که از دستگاه‌های فناوری پیشرفته در زمینه ارتباطات و روابط برخوردارند، معلوم می‌شود که ورزش تنها زمینه برای فعالیت‌هایی است که کارشان رشد دادن و تکامل بخشیدن به مهارت‌های بدنی است. از طریق ورزش امکان سنجش مهارت‌های حرکتی و توسعه زمینه‌های این مهارت‌ها برای انسان و انطباق حرکتی او با محیط‌هایی که انسان آنها

را می‌سازد، فراهم آمده است. بدون ورزش، حفظ آمادگی جسمانی عموم مردم کاری دشوار است، و بدون آمادگی جسمانی و مهارت حرکتی نیز نگهداشت کارایی تولیدی (صنعتی و زراعی) جامعه به سختی امکان‌پذیر می‌گردد (انوارالخولی، ۱۳۸۱: ۶۲).

از نظر تاریخی نیز نشان دادن کارکرد تطبیقی ورزش کار ساده‌ای است؛ چه، شرایط در مرحله ما قبل صنعتی، تماماً یا تقریباً متکی بر به کارگیری مهارت‌ها و توانایی‌های بدنی بود. بنابراین، مشارکت در بازی‌ها و ورزش و دیگر گونه‌های فعالیت بدنی تفریحی، در حقیقت، نوعی از انواع همسازی و تطبیق با شرایط محیطی و مقتضیات این اعصار بود.

- پیر بوردیو: آنچه امروزه در انتخاب کنش‌های متفاوت از جمله رفتارهای ورزشی افراد جامعه اهمیت دارد شیوه زندگی است که از رویکرد پیر بوردیو جامعه‌شناس فرانسوی گرفته شده و ناشی از منش^۱ است. منش ساختار ذهنی یا شناختی فرد است که از طریق آن با جهان برخورد می‌کند (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۲۱). به عبارت دیگر منش عبارت است از: نظام تمایلات ساختار گرفته و ساختار دهنده‌ای که به عملکرد ساخته می‌شود (Bourdieu, 1998: 72). در منش‌های متفاوت نگرش‌ها و مواضع متفاوتی نسبت به «رابطه با بدن» وجود دارد و وابسته به این است که رابطه با بدن «ابزاری» باشد یا بدن به مثابه یک «غایت فی‌نفسه» تلقی شود (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۳: ۱۹۵). به نظر بوردیو مهم‌ترین عامل‌هایی که می‌توانند نحوه توزیع رفتارهای ورزشی در میان اقشار متفاوت جامعه را توضیح دهند عبارتند از: سرمایه اقتصادی؛ شامل درآمد پولی، سایر منابع مالی، دارایی‌ها و حقوق مالی و سرمایه فرهنگی؛ شامل گرایش‌ها و عادات دیرپایی که طی فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و هدف‌های فرهنگی ارزشمندی نظیر قابلیت‌های تحصیلی و مهارتی را به دنبال دارد. بوردیو مثال‌هایی را در رابطه با این عوامل ذکر می‌کند:

الف) ورزش‌های مردمی به طور ضمنی با دوره جوانی در ارتباطند. یعنی عملاً نوعی جواز موقت در قالب شیوه‌های گوناگون از جمله تلف کردن مازاد انرژی فیزیکی. البته این ورزش‌ها خیلی زود معمولاً در لحظه ورود به بزرگسالی و از طریق ازدواج کنار گذاشته می‌شوند.

ب) ورزش‌های بورژوازی که عمدتاً به خاطر کارکرد حفاظت جسمانی و منفعت اجتماعی انجام می‌شوند. محدوده سنی این ورزش‌ها در فراسوی محدوده جوانی است.

البته هر چه اعتبار و انحصار آنها بیشتر شود مرز سنی متناظر با آنها نیز جلوتر می‌رود (مثلاً گلف). همچنان که ژاک دو فرانس^۱ نشان داد دو قشر مختلف اجتماعی ممکن است بنا به دو دلیل متفاوت یک ورزش خاص (مثلاً ژیمناستیک) را انجام دهند (بورديو، ۱۳۸۱).

(۱) طبقات کارگری به هدف تولید «بدنی قوی» که واجد نشانه‌های بیرونی قدرت است یعنی برای بدنسازی ژیمناستیک می‌کنند.

(۲) طبقات بورژوا به دنبال تولید «بدنی سالم» به انجام ژیمناستیک یا ورزش‌های دیگر می‌پردازند که کارکردشان عمدتاً بهداشتی است.

بنابراین رابطه هر کس با بدن خودش که یک جنبه بنیادین از نظام منش طبقاتی است باعث می‌شود، طبقات کارگر از طبقات ممتاز متمایز شود. از یک طرف در طبقات کارگری رابطه ابزاری با بدن در کنش‌هایی بروز می‌کند که حول محور بدن می‌گردند چه در مراقبت از زیبایی، چه در رژیم غذایی و یا در نسبتشان با بیماری و درمان. این رابطه در عین حال در قالب ورزش‌هایی نمود می‌یابد که متضمن سرمایه‌گذاری عظیم کار و کوشش با درد و رنج است (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۳: ۹۵) و در بدن به عنوان یک پیکربندی محسوس یعنی «بدن برای دیگران» مثل بوکس و قمار کردن با بدن در موتورسواری، سقوط آزاد و ورزش‌های رزمی تجلی می‌یابد.

در سوی دیگر گرایش طبقات ممتاز قرار دارد. آنها با بدن به مثابه «غایت فی نفسه» رفتار می‌کنند. غایتی که می‌تواند با تأکید بر بدن در مقام یک ارگانسیم، شکل‌های متفاوتی به خود بگیرد (بورديو، ۱۳۸۱: ۲۴۲-۲۴۱). از نظر بورديو اقشار بالایی جامعه از انجام حرکات ورزشی سه هدف را پیگیری می‌کنند.

- انباشت سرمایه اجتماعی: ورزش‌های خاصی به لطف انحصاری و دور از دست بودن آن برای طبقات دیگر بیشتر مورد توجه اقشار بالاست. از این رو عمده باشگاه‌های تنیس (مانند باشگاه انقلاب) و مانژهای سوارکاری (مانند گشتاسب) یا در شمال تهران قرار گرفته‌اند یا برای مراجعه این بخش از شهروندان هستند. وضعیت گلف حتی از این نیز خاص‌تر است. اسکی و ورزش‌های هوایی نیز در انحصار طبقات و قشرهای اجتماعی بالا قرار دارند. به همین دلیل حتی همراه داشتن وسایل ورزشی این‌گونه ورزش‌ها نیز نوعی فخر و غرور به همراه می‌آورد و زمینه ورود به اجتماعات بالا را فراهم می‌سازد. اما ورزش

1. Jack De France

در کنار بازی‌های خانگی و مبادلات اجتماعی (شام و پذیرایی) می‌تواند راه و روشی برای معاشرت باشد. حتی استخرها و سوناها، قشرهای به خصوصی را جذب خود می‌کنند. کارکرد تمایزگذاری طبقاتی این ورزش‌ها در میان طبقات «نوکیسه» بیش از دیگر ثروتمندان است. انقلاب و جنگ تغییراتی در ساختار طبقاتی ایران به وجود آورده است. هم‌چنین جنگ و محدودیت‌های وارداتی، نظام سهمیه بندی ارزاق به هنگام جنگ و تفاوت نرخ ارز، زمینه مناسب رشد گروه‌هایی را در نظام اجتماعی ایران فراهم کرده است. این طبقات نوکیسه که عموماً از طریق شغل‌های کم‌منزلت به چنین منافعی دست یافته‌اند برای تطابق فرهنگی با هم‌ردیفان اقتصادی خود که دارای سرمایه فرهنگی بالایی هستند تلاش می‌کنند هر چه بیشتر با تقلید سبک‌های زندگی، آداب مناسب قشرهای فوقانی را بیاموزند. بنابراین ثروتمندانی که سابقه چندانی در قرار گرفتن میان طبقات فرادست را ندارند از ورزش به عنوان امری که می‌تواند جایگاه اقتصادی و اجتماعی آنها را نشان دهد استفاده زیادی می‌کنند. شاهد این امر استخرهای مجهز شمال تهران است که هر روزه تعداد زیادی از زنان و مردانی را پذیرا می‌شود که بدون آشنایی با این رشته ورزشی از این مکان‌ها استفاده می‌کنند. استفاده از استخرهایی مانند: باشگاه فرمانیه در پاسداران، کوثر در دیباجی، شاطر در دربند، سبز در ولنجک و صدف در کردستان که با امکانات جانبی آن چندین برابر گرانتر از استخرهای مشابهی است که دیگر طبقات اجتماعی از آن بهره می‌گیرند، مثال‌های مناسبی هستند. برخی از این باشگاه‌ها مانند باشگاه فرمانیه، با شهریه سالانه بسیار بالا، از پذیرش افراد دیگر خودداری می‌کنند. بلیت‌های گرانتر دیگر باشگاه‌ها شاید برای صاحبانشان جنبه اقتصادی داشته باشد اما مشتریان این مکان‌های ورزشی بیشتر به دنبال «کارکرد متمایز کننده» این باشگاه‌ها هستند. از این رو بخش مهمی از علل اقبال به ورزش‌هایی مانند تنیس، سوارکاری، قایقرانی و گلف در ایران مرهون «کارکرد متمایز کننده اجتماعی» آنهاست.

۲- پاسخ به سلیقه‌های زیباشناختی و اخلاقی خاص طبقه: بورديو معتقد است احتمال انجام يك ورزش «به سنخيت میان موضع‌گیری‌های زیباشناختی و اخلاقی خاص هر طبقه یا قشر، ظرفیت‌های عینی، کمال اخلاقی و زیباشناختی بستگی دارد که در هر ورزش وجود دارد یا به نظر می‌آید وجود داشته باشد» (بورديو، ۱۳۸۱: ۲۵۱). ظرافت، وقار و زیبایی بدن بیشتر مورد توجه طبقات و اقشار فرادست جامعه است. هنجارهای اخلاقی رایج در

محیط‌های ورزشی نیز سبب گرایش و یا بی‌گرایشی این طبقه می‌شوند. در میان طبقات بالای جامعه کنونی ایران خانواده‌هایی که سابقه‌ای چند نسلی در این فرادستی دارند به این عامل اهمیت بیشتری می‌دهند و چنانچه اشاره شد خانواده‌های پر شمار نوکیسه نیز برای عامل قبلی وزن بیشتری قائلند. هم‌چنین دگرگونی نحوه پوشش زنان و معیارهای «بدن زیبا» اهمیت کارکرد زیباشناختی ورزش را برجسته ساخته است.

- سلامتی: این عامل در سالیان اخیر با توجه به گسترش بیش از پیش ماشین‌زیم، آپارتمان‌نشینی، گسترش آلاینده‌ها و ماندگاری برخی عادات غذایی نامناسب با شیوه‌های کنونی زندگی مورد توجه بسیار طبقات میانی و بالایی جامعه ایران به ویژه در کلانشهرها قرار گرفته است.

۳. نتیجه‌گیری

سلامت اجتماعی از اساسی‌ترین جزء رفاه اجتماعی به شمار رفته، بیش از مداخلات پزشکی، به عوامل اجتماعی و اقتصادی وابسته بوده و یکی از مفاهیم محوری توسعه پایدار است. سلامت اجتماعی، حاصل چگونگی ارتباط فرد با دیگران در جامعه بوده و هر نوع قطع ارتباط بین فرد و جامعه، به گونه‌ای که افراد در چارچوب‌های اجتماعی جذب نگردند، زمینه‌ای مساعد برای رشد انحرافات اجتماعی و پیدایش مشکلات سلامت را فراهم می‌آورد. به عبارتی می‌توان گفت هرگونه فاصله بین فرد و جامعه، که به عدم ادغام افراد در چارچوب‌های اجتماعی بینجامد، به انحرافات اجتماعی میدان می‌دهد. از طرفی هر نظام اجتماعی برای ثبات و پایداری نیازمند انسجام و یکپارچگی اعضای خود به ویژه از طریق توزیع قدرت، اعتبار، مسئولیت و همبستگی می‌باشد، و در داخل خود دست به توزیع نقش‌ها، کارکردها و شیوه‌های مشارکت می‌پردازد، که افراد با اعمال خود در بطن وفاق و اجتماعی عمومی به انسجام برسند (نوابخش، ۱۳۹۸).

ورزش نمونه شاخصی از نماد اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می‌آید و به عنوان صورتی از روابط اجتماعی با سلسله مراتب رسمی و مشخص به عنوان یک پدیده اجتماعی محسوب می‌شود. شبکه ارتباط ورزش همانند سایر شبکه‌ها رسمی و غیررسمی است. شبکه رسمی، روابطی است که در گروه‌ها و سازمان‌ها وجود داشته و به وسیله هنجارها یا قواعد

نظام رسمی مقرر گردیده‌اند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۸۷). روابط رسمی ورزش در ابعاد عضویت و مشارکت در باشگاه انجمن ورزش و میزان فعالیت در مسابقات ورزش را شامل می‌شود. بنابراین عضویت و مشارکت در مسابقات و باشگاه‌ها و تیم‌های ورزشی بر اساس گسترش روابط بین گروهی در قالب‌ها و انجمن‌ها و تیم‌های ورزشی از طریق عضویت افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص صورت می‌گیرد، تا افراد به طور دلخواه و داوطلبانه به فعالیت‌های مختلف ورزشی در باشگاه‌ها و تیم‌های ورزشی بپردازند.

گیدنز شبکه غیررسمی را روابطی می‌داند که در گروه‌ها و سازمان‌ها بر اساس ارتباطات شخصی به وجود می‌آید، روش‌های انجام دادن کارها از شیوه‌ای عمل شناخته شده منحرف می‌شود (همان). روابط غیررسمی جنبه عادی مناسبات افراد را تشکیل می‌دهد. شبکه غیررسمی^۱ ورزش معمولاً از طریق انواع ارتباطات و حضور در ورزشگاه‌ها با انگیزه تماشا و تشویق تیم‌های مورد علاقه است. در هر حال، این تحقیق به جهت ماهیت موضوع و اهداف آن با شبکه رسمی ورزش که ناظر بر فعالیتهای ورزشی در میدانی ورزش می‌باشد، در ارتباط است.

انسان‌ها از طریق همگامی با موازین و قواعد زندگی اجتماعی ورزشی گامی مهم در جهت پویایی اجتماعی بر می‌دارند یعنی با انتقال هر آنچه به شکل فردی خصوصی، گروهی داشته و به عبارت از فرایندی است که بر پایه آن، مجموعه حیات و فعالیت‌های انسانی در شبکه وابستگی‌های متقابل اجتماعی جای می‌یابند. در اصل با اعداد بسیاری از عوامل، نظیر تجمع وسیع انسان‌ها، مقتضیات فنی، عقلانی شدن حیات و تقبل پاسخگویی به نیازهای روز افزون جمعی توسط متولیان ورزش نشأت می‌گیرد.

در کنش‌ها و واکنش‌های رقابت جویانه ورزشی که مرکب از حالات عاطفی و هیجانی اندیشه و آمادگی‌های بالقوه برای انجام عمل. در تمامی افراد یک گروه به صورتی تقریباً یکسان بروز می‌کند. عادات اجتماعی، آداب و رسوم، سلسله مراتب ارزش‌های مستقر، به شکل احساسات جمعی مدد می‌رسانند. که نقش مهمی در حیات اجتماعی ایفا می‌کنند، به همراه رویدادها و نقش‌های اجتماعی، در آفرینش افکار عمومی نقش دارند و از طریق رفتار جمعی، نهادهای عاطفی و هیجانی، واکنش‌های تمنیات جمعی با واسطه و

1. Informal network sport

بی‌واسطه تجلی می‌کنند

از طریق ورزش و گروه‌های ورزشی که به شکل‌گیری نظم اجتماعی منجر می‌شود در اصل در تیم‌ها و فعالیت‌های گروهی به معنای تولید آرامش، انتظام و اطاعت است. نظم اجتماعی به معنای اطاعت تمامی اعضای جامعه از هنجارها، ارزش‌ها و قوانینی که تیم‌ها بر پایه آن به زندگی خود ادامه می‌دهد. در حقیقت با شکل‌گیری نظم اجتماعی در گروه‌های ورزشی در قبل و بعد از مسابقات ورزشی می‌تواند به طور مستقیم هماهنگی، تعادل و انسجام روابط اجتماعی را برساند که مجموع افراد جامعه را از طریق فعل و انفعال‌ساز و فعالیت‌های جمعی به سوی زندگی مشترک جلب کنند. از کارکردهای دیگر ورزش و فعالیت‌های ورزشی ایجاد تعادل اجتماعی است که متضمن اندیشه چیزی است که قائم به خود بوده و در طول زمان به صورتی پویا پا برجا می‌ماند. از تعادل یک گروه ورزشی یا یک فرهنگ و هنجارهای ورزشی جهت مشخص ساختن پیوستگی انسان و محیط اجتماعی یا فرهنگی او و یا به منظور رسانیدن این معنی که فلان مجموعه اجتماعی - فرهنگی از نیرویی درونی به منظور ثبات، تداوم، انطباق برای پا برجا ماندن و اظهار وجود در برابر دیگران برخوردار است،

همچنین از طریق همانندسازی ورزشی شخص همان طرز تلقی‌ها، کردارها، عادات و آداب زندگی و اندیشه را می‌پذیرد که افراد مسلط در محیط اجتماعی پیرامونش پذیرفته‌اند. از همین طریق است که انسان از عقاید پذیرفته و عادات جا افتاده تبعیت می‌کند. هنجارها و مدل‌های رفتاری غالب، موجبات بروز همنوایی را فراهم می‌سازند. کنترل اجتماعی نیز که در جهت رعایت ارزش‌هایی یکسان و رفتاری مشابه توسط همگان اعمال می‌شود خود عامل مهمی در ایجاد همنوایی است (بیرو، ۱۳۶۶: ۶۲). از کارکردهای دیگر ورزش در سلامت‌سازی اجتماعس ایجاد وفاق در بین اجزا می‌باشد که در اصل بر پیدایی اتفاق نظر و توافقی آشکار یا نهان در یک گروه در مورد یک وضع خاص، خواه در باب زمینه‌های اصلی زندگی آن گروه و یا دلایل خواست اعضای آن به اینکه حیاتی مشترک داشته باشند. البته وفاق می‌تواند عمل نیز باشد، یعنی به صورت فرایندی تجلی کند که از طریق آن اعضای یک گروه یا یک جامعه به بیان توافقی در باب زندگی مشترک خود، دست یابند. همچنین این واژه در معنایی محدودتر، تصمیم‌گیری‌هایی را می‌رساند که از طریق آن گروه موفق به دستیابی به طرز فکرهای مبتنی بر همنوایی می‌شود. در هر حال،

هر نوع گروه‌بندی پایا و ماندگار متضمن بر خورداری از وفاق است. وفاق موجبات ایجاد و به هم پیوستگی آگاهانه‌تر یک گروه را فراهم می‌سازد. وفاق مظهر قبول سلسله ارزش‌های اجتماعی، جلوه‌ها و مدل‌های پذیرفته شده توسط همگان است. وفاق اساس یک زندگی مثبت اجتماعی را تشکیل می‌دهد و اضمحلال آن موجب بی‌سازمانی، فروریزی ساخت جامعه و از هم‌پاشیدگی حیات اجتماعی می‌شود.



فهرست منابع

- احسانی، محمد و همکاران (۱۳۸۶)، بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده و میزان مشارکت زنان شهر تهران در فعالیت‌های ورزشی تفریحی، **پژوهش در علوم ورزشی**، شماره ۱۷: ۶۳-۸۷
- ادیبی، حسین و عبدالمعبود انصاری (۱۳۸۳) **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، نشر دانژه، چاپ دوم، تهران.
- ازکیا، مصطفی و همکاران (۱۳۸۷)، **رهیافت‌ها و روش‌های کیفی در توسعه روستایی**، نشر نی.
- اسلامی مرزنکلاته، محمد مهدی (۱۳۹۲). **بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات مازندران.
- النورالخولی، امین (۱۳۸۳)، **ورزش و جامعه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، تهران: انتشارات سمت
- آبراکرامبی، نیکلاس و دیگران (۱۳۶۷)، **فرهنگ جامعه‌شناسی**، ترجمه حسن پویان، انتشارات چاپخش، چاپ اول، تهران.
- آگ برن، ویلیام و می یرنیم کوف (۱۳۵۰)، **زمینه جامعه‌شناسی**، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، انتشارات فرانکلین، چاپ پنجم، تهران.
- بورديو، پیر (۱۳۸۱)، **نظریه کنش: دلایل علمی و انتخاب عقلانی**، ترجمه مرتضی مردی‌ها، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول، اصفهان.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶)، **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران.
- پارسامهر، مهربان (۱۳۸۸)، **جامعه‌شناسی ورزش**، یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
- دوفرانس، ژاک (۱۳۸۵)، **جامعه‌شناسی ورزش**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر، تهران، انتشارات توتیا
- دیلینی، تیم (۱۳۸۷)، **نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی**، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، نشر نی، چاپ اول، تهران.
- رحمتی، محمد مهدی و محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۲). بررسی عامل‌های جامعه‌شناختی خشونت و پرخاشگری تماشاگران فوتبال، **فصلنامه المپیک**، سال یازدهم، شماره ۳ و ۴، (پیاپی ۲۴) پاییز و زمستان.
- رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۲)، **جامعه‌شناسی ورزش دیدگاه‌ها و نظریه‌ها**، **فصلنامه فرهنگ عمومی**، شماره سی و پنج، بهار.
- رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۸). **جامعه‌شناسی خشونت ورزشی**، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ریتزر، جورج (۱۳۷۷)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ دوم، تهران.
- سمیعی، زهره (۱۳۷۹). **بررسی تأثیر سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی خانواده بر موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان در تهران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا

- شارع پور، محمود (۱۳۸۱). **بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان دختر و پسر نسبت به ورزش در گذراندن اوقات فراغت**. طرح پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی
- شارع پور، محمود (۱۳۸۷). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه موردی: شهروندان ۱۵-۲۹ ساله بابل)، **دوفصلنامه علوم حرکتی و ورزشی**، شماره ۷: ۱۴۵-۱۷۴.
- عریضی، فروغ؛ وحید، فریدون؛ پارسامهر، مهربان (۱۳۸۵). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی: زنان استان مازندران)، **دوفصلنامه علوم حرکتی و ورزشی**، شماره ۷: ۵۳-۶۲
- فتحی، سروش (۱۳۸۴). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر گرایش به ورزش در بین دانشجویان ورزشکار. **فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان**، سال اول، شماره چهارم، زمستان
- فتحی، سروش (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر رفتار انومیک در میان هواداران فوتبال، **مطالعات فرهنگی اجتماعی المپیک**، سال اول، شماره اول
- فتحی سروش (۱۳۸۸)، تبیین جامعه شناختی مشارکت ورزشی دانشجویان، **پژوهشنامه علوم اجتماعی گومسار**، زمستان، دوره سوم، شماره چهارم: ۱۷۳-۱۴۵
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)، **پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- فیلد، جان (۱۳۸۶). **سرمایه اجتماعی**. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران، انتشارات کویر
- قاسمی، وحید؛ ذولاکتاف، وحید؛ نورعلیوند، علی (۱۳۸۸). **جامعه‌شناسی ورزش (وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال)**. تهران، انتشارات جامعه شناسان
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، گیبینز، جان آر، و ریمر، ب (۱۳۸۱)، **سیاست پست مدرنیته**، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات گام نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ چهارم، تهران. مختاریپور، مهدی (۱۳۹۸) تبیین جامعه شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر جامعه‌پذیری ورزشی، **مطالعات فرهنگی اجتماعی المپیک**، سال اول، شماره اول، زمستان: ۱۲۵-۱۵۵
- میرغفوری، سیدحبیب‌الله؛ صیادی تورانلو، حسین (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل مسائل و رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (مورد مطالعه: زنان شهر گرگان)، **مدیریت ورزشی**، شماره اول: ۸۳-۱۸۸
- نادریان جهرمی، مسعود، ذولاکتاف، وحید (۱۳۸۸)، موانع مشارکت ورزشی زنان و ارتباط آنها با انگیزه، **دوفصلنامه علوم حرکتی و ورزشی**، شماره ۱۳: ۱۴۵-۱۵۶.
- نادریان جهرمی، مسعود؛ هاشمی، هاجر (۱۳۸۸). عوامل بازدارنده مشارکت ورزشی زنان کارمند شهر اصفهان، **فصلنامه پژوهش در علوم ورزشی**، شماره ۱۳۷: ۲۳-۱۵۰
- نقدی، اسدالله و اسماعیل بلالی (۱۳۹۰). موانع فرهنگی - اجتماعی مشارکت زنان در فعالیت‌های

تحلیل مدل کارکرد نهاد ورزش در سلامت‌سازی اجتماعی ... ۵۷

ورزشی، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره اول: ۱۴۷-۱۶۳
نوابخش، مهرداد و کمال جوانمرد (۱۳۸۸)، پیشقراولان جامعه‌شناسی ورزش، جامعه‌شناسی، بهار،
دوره پنجم، شماره یکم: ۱۴۵-۱۳۳.
نوابخش، مهرداد (۱۳۹۸)، نقش نهاد ورزش در انسجام اجتماعی، مطالعات فرهنگی اجتماعی
المپیک، سال اول، شماره اول، زمستان: ۴۸-۲۹
هابرماس، یورگن (۱۳۸۴)، نظریه کنش ارتباطی، جلد اول، ترجمه کمال پولادی، موسسه
انتشارات روزنامه ایران، چاپ اول، تهران.

